

ضرب‌المثل‌های فارسی «ع»

«عاشقم پول ندارم کوزه بده آب بیارم.» ...



«عاشقم پول ندارم کوزه بده آب بیارم.»

«عاشقی پیداست از زاری دل// نیست بیماری چو بیماری دل» مولوی

«عاشقی شیوه رندان بلاکش باشد.» حافظ

«عاشقی کار سری نیست که بر بالین است» سعدی

«عاقبت جوینده یابنده بود.» مولوی

«عاقبت گرگ زاده گرگ شود// گرچه با آدمی بزرگ شود» سعدی

«عافل به کنار آب تا پل می‌جست// دیوانه پا برهنه از آب گذشت»

«عافل گوشت می‌خوره، بی‌عقل بادمجان.»

«عالم بی‌عمل، زنبور بی‌عسله.»

«عالم شدن چه آسون آدم شدن چه مشکل.»

«عالم ناپرهیزکار، کوریست مشعله‌دار.»

«عبادت بجز خدمت خلق نیست// به تسبیح و سجاده و دلق نیست» سعدی

«عجب کشکی ساییدیم که همش دوغ پتی بود.»

«عجله، کار شیطونه.»

«عدو شود سبب خیر اگر خدا خواهد.»

«عذر بدتر از گناه.»

«عزیز کرده خدا را نمی‌شه ذلیل کرد.»

«عزیز پدر و مادر.»

«عسس بیا منو بگیر.»

«عسل در باغ هست و غوره هم هست.»

«عسل نیستی که انگشتت بزندی.»

«عشق پیری گر بجنید سر به رسوایی زند.»

«عقد پسرعمو و دخترعمو را در آسمان بسته‌اند.»

«عقلش پاره‌سنگ برمی‌داره.»

«عقل که نیست چون در عذابه.»

«عقل مردم به چشمشونه.»

«عقل و گهش قاطی شده.»

«علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد.» (... دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست) سعدی

«علاج یکن کز دلم خون نیاید.» (سرشک از رخم پاک کردن چه حاصل ...) میر والهی

«علف به دهان بزی باید شیرین بیاد.»

«عیدت را اینجا کردی نوروزت را برو جای دیگه.»